

نگاهی به زندگی شریعتی؛ از تولد در روستای کاهک تا درگذشت پرابهام در لندن

دکتر علی شریعتی نقشی اساسی در بیدارگری اسلامی و طرح اسلام به عنوان یک ایدئولوژی پویا و کارساز داشته و به حق یکی از بزرگترین متفکران تجدید ...



دکتر علی شریعتی نقشی اساسی در بیدارگری اسلامی و طرح اسلام به عنوان یک ایدئولوژی پویا و کارساز داشته و به حق یکی از بزرگترین متفکران تجدید حیات اسلام در جهان معاصر می باشد. دکتر "علی شریعتی" معلم، سخنران و نظریه پرداز انقلابی دوم آذر 1312 در "کاهک" روستایی با آفتابی سوزان در بخش داورزن شهر سبزوار چشم به جهان گشود. پدرش استاد محمد تقی شریعتی مزینانی بود. او در خانواده ای روحانی متولد شده بود.

علی شریعتی می نویسد: پدرم نخستین سازنده ابعاد روحم؛ کسی که برای اولین بار هم هنر فکر کردن را به من آموخت و هم فن انسان بودن را. طعم آزادی، شرف، پاکدامنی، مناعت، عفت روح، استواری، ایمان و استقلال دل را...

علی در کودکی برای آموختن قرآن به مکتب خانه روستا رفت و در واقع اولین معلم او "ملا زهرا" مکتب دار روستای کاهک بود. علی در سال 1319 وقتی هفت ساله بود در دبستان "ابن یمین" مشهد ثبت نام کرد، ولی پدر به خاطر ناآرام شدن اوضاع کشور (تبعید رضاشاهو اشغال کشور توسط متفقین) خانواده اش را به روستا فرستاد. در سیزده سالگی وارد دبیرستان "فردوسی" شد.

شریعتی درباره این دوره می نویسد "مغزم در این زمان با فلسفه رشد می کرد و دلم با عرفان داغ می شد". علی از کتاب های معمولی شروع کرد ولی در ادامه به کتاب های "موریس مترلینگ" و "آنا تول فرانس" علاقه مند شد.

در شانزده سالگی سیکل اول دبیرستان (کلاس نهم نظام قدیم) را به پایان رساند و وارد دانشسرای مقدماتی شد. اما در سال دوم دانشسرا که همزمان با اوج گیری نهضت ملی و نخست وزیری "دکتر محمد مصدق" بود گویی همه چیز تغییر کرد. دکتر شریعتی در سال 1331 "انجمن اسلامی دانش آموزان و دانشجویان" را تاسیس کرد و در مدت 8 سال برگزاری جلسه های هفتگی آن را که شامل سخنرانی، بحث و تحقیق در مسایل فکری و مکاتب فلسفی و اقتصادی بود بر عهده داشت. در سال آخر دانشسرا به پیشنهاد پدر شروع به ترجمه کتاب "ابوذر" کرد.

بعد از فارغ التحصیل شدن از دانشسرا در روز بیستم مهر 1331، در اداره فرهنگ (آموزش و پرورش) استخدام شد و از روز یازدهم آبان همان سال در دبستان "کاتب پور" مشهد مشغول تدریس شد. او کتاب "مکتب واسطه اسلام" را در همین زمان نوشت.

علی ضمن کار در دبستان، در کلاس های شبانه به تحصیل ادامه داد و دیپلم کامل ادبی گرفت. در همان روزها در کنکور حقوق شرکت کرده بعد از تاسیس "دانشکده علوم و ادبیات انسانی" در مهر 1334 علی وارد این دانشکده شد.

دکتر شریعتی در تیر 1337 ازدواج کرد. علی در سال 1344 و بعد از موفقیت در امتحانات "شورای عالی اداری" به عنوان کارشناس کتاب های درسی به تهران منتقل شد و با مرحوم برقی و شهید باهنر همکاری کرد. در آن روزها "سازمان جلب سیاحان" از علی خواست کتابی تاریخی- فرهنگی درباره استان خراسان بنویسد و او کتاب "راهنمای خراسان" را نوشت. از کارهای دیگر دکتر شریعتی در این دوره ترجمه کتاب "سلطان پاک" نوشته "پروفیسور لویی ماسینیون" بود.

دکتر در سال 1347 کتاب کویر را منتشر کرد. وی در این سال با دعوت استاد شهید مرتضی مطهری برای سخنرانی به حسینیه ارشاد تهران رفت. در واقع دریچه ای نو برای خدمت به دین در برابرش گشوده شده بود.

موضوع سخنرانی او در حسینیه ارشاد عبارت بودند از: "امت و امامت"، "تمدن و تجدد"، "نگاهی به تاریخ فردا"، "علی تنهاست" و "میعاد با ابراهیم". او در مدرسه عالی بازرگانی به موضوع "انسان و تاریخ" پرداخت. در همان وقت کتاب "هبوط در کویر" را نوشت و مقاله زیبایی "از هجرت تا وفات" او در کتاب "خاتم پیامبران" از طرف حسینیه ارشاد به چاپ رسید.

دکتر شریعتی در سال 1349 به بخش تحقیقات وزارت علوم در تهران منتقل شد. موضوع تحقیق او "تعلیم و تربیت در اسلام" بود. این کتاب در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی به نام "مکتب و تعلیم و تربیت" چاپ شد. از سال 1346 تا 1352 تلاش فراوانی در ایجاد آگاهی و علاقه نسل جوان به دین مبین اسلام کرد. سال 1349 و 1350 سال های پرکاری علی بود. سخنرانی زیبایی "نیایش" او هرگز

از یاد حسینیه ارشاد نمی رود. دیگر سخنرانی های علی در آن سال ها عبارت بود از: "مذهب علیه مذهب"، "روشنفکر و مسئولیت شیعه بودن" و "شیخ علوی و صفوی".

دکتر شریعتی در مرداد 1350 از طرف حسینیه ارشاد همراه با یک راهنما برای تحقیقات تاریخی و اسلامی به "آفریقا" رفت. در تابستان 1352 ماموران ساواک به خانه او در مشهد حمله کردند. در اسفند 1354 شاه ایران "محمدرضا پهلوی" برای گذراندن تعطیلات زمستانی به کشور سوئیس رفت و سپس به منظور حضور در کنفرانس سران "اپک" رهسپار کشور "الجزایر" شد.

شهید علی شریعتی به عنوان یکی از بزرگترین عوامل و محرکان ایدئولوژیک انقلاب و گسترش موج اسلام خواهی میان جوانان و روشنفکران شناخته شده است. اگر محققان و اسلام شناسان غیرایرانی چه در غرب و چه در جهان سوم شریعتی را یکی از ایدئولوگ های اسلامی در ایران و یکی از برجسته ترین متفکران و مبلغان اسلامی معاصر به حساب می آورند راه خطا نرفته اند. نقش شریعتی در بیدارگری اسلامی و طرح اسلام به عنوان یک ایدئولوژی پویا و کارساز در میان جوانان ایرانی بر کسی پوشیده نیست. از طرف دیگر شریعتی به حق یکی از بزرگترین متفکران تجدید حیات اسلام در جهان معاصر می باشد.

5 سال اقامت در دانشگاه پاریس به شریعتی فرصت داد تا نه تنها فارغ از دغدغه و نگرانی های دیگر به مطالعات خود ادامه دهد بلکه با کتاب هایی آشنا شود که در ایران وجود نداشت. او توانست با مکاتب فکری مختلف اجتماعی و فلسفی آشنایی و تماس پیدا کند و نیز آثار فیلسوفان، دانشمندان و نویسندگانی چون هانری برگسن، آلبر کامو و جامعه شناسی نظیر گورویچ، ژاک برگ و اسلام شناسی چون لویی ماسینیون را مورد مطالعه قرار دهد.

اقامت شریعتی در پاریس با یک مرحله جدید حیاتی در تحول جنبش مذهبی در داخل ایران همزمان بود. شریعتی با روش ایمان برانگیز، منطقی، علمی و مترقی خود نفوذ فوق العاده ای روی جوانان تحصیل کرده ایران به جای گذاشت و آنها را از رفتن به سوی ماتریالیسم، ستایش کورکورانه غرب و بی تفاوتی یا خصومت نسبت به مذهب، بازداشت. شریعتی در جهانی که به گفته خود او "زر" و "زور" و "تزویر" در آن حاکم بود یک انسان استثنایی و به قول خودش یک "مرد خدا" و نیز "مدافع حقوق مردم" در زمینه های اجتماعی و سیاسی به شمار می رفت.

تمام تحلیل های فلسفی، تاریخی و جامعه شناختی شریعتی یک جهت گیری مذهبی داشت که بعد اسلامی آن از همه برجسته تر بود. او یک روش سیستماتیک برای شناخت و فهم اسلام تجویز کرد. به گفته او "تفکر صحیح اساس شناخت حقیقی است و شناخت حقیقی عقیده و ایمان استوار را به بار می آورد." این اصل مشخص باعث ایجاد آگاهی در انسان می شود.

علی شریعتی اواخر ماه مه 1977 برابر با 29 خرداد 1356 به طرز مرموزی در لندن درگذشت. کتاب های علی شریعتی بیشمار و متنوع اند. آثار منتشر شده او شامل 20 کتاب و بیش از 50 رساله است.